

ارائه مدل ساختاری تفسیری از موانع و محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران

لیدا جمال عینی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

اکبر اعتباریان خوراسگانی

استاد گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

Dretebarian.a.khuisf@gmail.com

علی رشیدپور

دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

رضا اسماعیلی

استادیار، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی در ایران از منظر فرهنگی و شناسایی موانع و محرک‌های موجود در این زمینه و ارائه مدل ساختاری تفسیری پرداخته است.

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-پیمایشی و در زمینه روابط، از نوع علت و معلولی به شمار می‌رود. برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری قضاوتی هدفمند استفاده شد و در این راستا ۹ نفر از خبرگان دانشگاهی استان اصفهان در این پژوهش مشارکت کردند.

در این پژوهش، دو مدل برای تحلیل موانع و محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران ارائه شد. مدل اول شامل ۱۳ مانع فرهنگی بود که در چهار سطح دسته‌بندی شدند. موانع سطح اول شامل «روان‌رنجور خویی»، «ضعف اخلاق کاری»، «ضعف روحیه جمعی»، «نظم‌گریزی» و «تجربه‌سوزی» به عنوان تأثیرپذیرترین موانع شناخته شدند. همچنین، «سنت‌گرایی افراطی» و «خان‌سالاری» به عنوان تأثیرگذارترین موانع شناسایی شدند. مدل دوم به ۴ محرک فرهنگی توسعه سیاسی اختصاص داشت که در سه سطح قرار گرفتند. «میل به توسعه دانش و قدرت» به عنوان تأثیرپذیرترین محرک و «ارزش‌های بنیادین دین» و «تجارب تاریخی» به عنوان تأثیرگذارترین محرک‌ها شناسایی شدند.

این پژوهش نشان می‌دهد که موانع فرهنگی به طور قابل توجهی بر توسعه سیاسی در ایران تأثیر دارند و شناسایی این موانع و محرک‌ها می‌تواند به سیاست‌گذاران در طراحی راهبردهای مؤثر برای ارتقاء توسعه سیاسی کمک کند.

کلیدواژه‌ها: موانع فرهنگی، محرک‌های فرهنگی، توسعه سیاسی، مدل‌سازی ساختاری تفسیری.

مقدمه

موضوع توسعه و توسعه سیاسی یکی از مسائلی است که در سال‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده و به یکی از محورهای اصلی تفکر در علوم اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است. این موضوع به ویژه برای نخبگان فکری در کشورهای در حال توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا در این کشورها، فرآیند توسعه و عدم توسعه چالش‌های اصلی جامعه را به وجود می‌آورد و تمامی رویدادها و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تحت تأثیر این مقوله قرار دارند (اعتباریان خوراسگانی و قلی‌پور مقدم، ۱۳۹۶). توسعه به عنوان یک مفهوم کلان، همواره نیازمند تغییرات اساسی در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی است. بُعد فرهنگی نه تنها یکی از اجزای حیاتی توسعه به شمار می‌آید، بلکه نقش کلیدی و اساسی در موفقیت آن دارد. به عبارت دیگر، توسعه‌ای که نتواند به حیات فرهنگی توجه کند و از آن بهره‌برداری نماید یا از نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها چشم‌پوشی کند، به احتمال زیاد موفق نخواهد بود. بی‌توجهی به بُعد فرهنگی می‌تواند منجر به وابستگی به الگوهای خارجی شود و این امر مانع از رشد خلاقیت فرهنگ محلی خواهد شد و توانایی جامعه را در مواجهه با فرهنگ‌ها و الگوهای ناخواسته خارجی تضعیف می‌کند، که نتیجه آن بی‌قاعدگی فرهنگی خواهد بود. پس از جنگ جهانی دوم، بسیاری از نظریه‌های توسعه با هدف رسیدگی به مشکلات کشورهای در حال توسعه یا عقب‌مانده شکل گرفته‌اند (ساعی، ۱۳۹۴). این نظریه‌ها توسعه را در شش بعد تعریف می‌کنند که یکی از این ابعاد، توسعه سیاسی است که بسترهای لازم برای نهادینه‌سازی مشارکت سیاسی را فراهم می‌آورد (ازکیا، ۱۳۹۴). با این حال، مفهوم توسعه سیاسی مانند دیگر مفاهیم در علوم انسانی، معنای ثابتی ندارد و این عدم ثبات باعث شده است که نظریه‌پردازان توسعه آن را از زوایای مختلف مورد

بررسی قرار دهند. در تاریخ معاصر ایران، تلاش‌های زیادی برای شناسایی ابعاد و عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی صورت گرفته است. در سال‌های اخیر، زیرساخت‌های توسعه سیاسی در ایران به طرز چشمگیری افزایش یافته و پس از انقلاب اسلامی نیز تحقیقات متعددی درباره چالش‌های توسعه سیاسی انجام شده است. بخش قابل توجهی از این مطالعات به بررسی ریشه‌های تک‌بعدی تمهیدات توسعه سیاسی پرداخته‌اند. بنابراین، شناسایی عواملی که می‌تواند به عنوان موانع یا عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی عمل کنند، همواره یکی از موضوعات اصلی مورد توجه دانشمندان علوم اجتماعی بوده است. در این راستا، عوامل فرهنگی به عنوان یکی از عوامل کلیدی مطرح می‌شوند (بیدالله خانی و فرخاری، ۱۴۰۰). مفهوم فرهنگ سیاسی که برای اولین بار توسط گابریل آلموند^۱ در سال ۱۹۵۶ مطرح شد، به جنبه خاصی از فرهنگ به معنای کلی اشاره دارد که شامل جهت‌گیری‌ها، احساسات، علایق، خلیقات، نگرش‌ها و تمایلات سیاسی می‌شود. به عبارتی دیگر، فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از ایستارها، باورها، شور و احساسات و ارزش‌های جامعه در ارتباط با نظام سیاسی و مسائل اجتماعی است (زارعی و تقی‌پور، ۱۳۹۶). همچنین در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۰۲، بر اهمیت توسعه فرهنگ سیاسی برای رشد انسانی تأکید شده است؛ چرا که مردم در سراسر جهان تمایل دارند سرنوشت خود را تعیین کنند، نظرات خود را بیان کنند و در تصمیم‌هایی که زندگی آنها را شکل می‌دهد، مشارکت نمایند (رهبر قاضی و همکاران، ۱۳۹۵). بسیاری بر این باورند که فرهنگ سیاسی یکی از عناصر کلیدی و مؤثر برای درک ویژگی‌ها و تفاوت‌های موجود در هر جامعه و نظام سیاسی است. بحث درباره فرهنگ سیاسی در قرن بیستم به‌ویژه در زمینه‌های فرهنگی دموکراسی و دیکتاتوری مطرح شده است. برخی نیز معتقدند که فرهنگ سیاسی تحت تأثیر

فرهنگ عمومی یک جامعه قرار دارد. همچنان که فرهنگ عمومی می‌تواند مثبت یا منفی باشد، فرهنگ سیاسی نیز می‌تواند براساس تساهل و تسامح سیاسی، احترام و اعتماد متقابل، مشارکت‌پذیری و برخورد منطقی با نظرات دیگران شکل بگیرد و به عنوان فرهنگ سیاسی سالم شناخته شود، یا به تحمل‌ناپذیری، بی‌احترامی به نظرات دیگران و برخوردهای تحریک‌آمیز تبدیل شود که به عنوان فرهنگ سیاسی ناسالم شناخته می‌شود (طالبی متین و همکاران، ۱۴۰۲).

پژوهش‌های متعددی در زمینه موضوع این پژوهش انجام شده است که تفاوت‌های قابل توجهی با کار حاضر دارند. به عنوان مثال، رضایی و همکاران (۱۳۹۰) با استفاده از رویکرد توصیفی-تاریخی، موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران را براساس مقالات و کتاب‌های مختلف مورد بررسی قرار داده و راه‌کارهای مدیریتی را در این زمینه ارائه کردند. با وجود اینکه در چند دهه اخیر اهمیت تأثیر عوامل فرهنگی بر توسعه به‌طور گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفته است، به نظر می‌رسد که شناخت موانع و محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی هنوز به‌طور کامل در کانون توجه پژوهشگران داخلی قرار نگرفته و پژوهش‌های موجود در این زمینه پراکنده و محدود هستند. بنابراین، ضرورت علمی و کاربردی ایجاد می‌کند که در این پژوهش مدلی برای شناسایی موانع و محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران ارائه شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

با اجرای این پژوهش و ارائه مدل برای موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران و ارائه این عوامل به نهادهای فرهنگی ذی‌ربط می‌توان گام اساسی در ارتباط با مانع‌زدایی از موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران برداشت. همچنین ارائه مدل برای محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی و به کارگیری آن موجب رشد فرهنگ سیاسی در میان اکثریت جامعه شده و نتایج مطلوبی را

در ارتباط با رشد و توسعه در دیگر زمینه‌ها خواهد داشت. مسیر توسعه سیاسی، هیچ‌گاه و در هیچ جامعه‌ای، از جمله ایران هموار و بدون مشکل نبوده است. اجرای پژوهش‌های مشابه پژوهش حاضر می‌تواند مسیر توسعه سیاسی را با توجه به عوامل مهم فرهنگی هموار نموده و متولیان امر در ایران با استفاده از نتایج پژوهش حاضر می‌توانند، با سرعت بیشتری به توسعه سیاسی مدنظر خود دست یابند. با بررسی مطالعات و پژوهش‌های مختلف در حوزه موضوع پژوهش حاضر مشخص می‌گردد، اکثر مطالعات تنها به بررسی موانع فرهنگی توسعه سیاسی پرداختند؛ اما پژوهش حاضر قصد دارد از موانع و محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران یک مدل ساختاری تفسیری ارائه دهد. همچنین یکی از مسائل مهم در زمینه توسعه سیاسی در ایران زمینه‌های فرهنگی است، که بررسی مصداقی آن در بسیاری از پژوهش‌ها مغفول مانده است. شناسایی موانع فرهنگی و ارائه محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در مطالعات گذشته مبتنی بر اطلاعات تاریخی و توصیفی بوده و این مسئله مهم در پژوهشی به‌صورت تجربی بدان پرداخته نشده است. لذا مسئله اصلی پژوهش حاضر پاسخگویی به این پرسش است: مدل موانع و محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران به چه شکل است؟

ادبیات پژوهش

۱- توسعه سیاسی

مفهوم توسعه سیاسی از زمان شکل‌گیری اولین نظریه‌ها در این زمینه از اواخر دهه ۱۹۵۰ تاکنون، به شیوه‌های مختلفی تعریف شده است. هر یک از تعریف‌های ارائه شده در زمان‌های مختلف، براساس ویژگی‌ها و ابعاد خاصی شکل گرفته که تحت تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی جهانی و تغییرات آن قرار داشته است. توسعه سیاسی موضوعی بحث‌برانگیز در عرصه نظری و شاید به لحاظ عملی دور از دسترس باشد. برای عبور از موانع توسعه سیاسی و ایجاد یک جامعه سیاسی پیشرفته در

آن است. به طور کلی، فرهنگ سیاسی را می‌توان به‌عنوان بخشی از فرهنگ اجتماعی و مجموعه‌ای از نگرش‌ها و گرایش‌های اعضای یک جامعه نسبت به نظام سیاسی، نخبگان سیاسی و قدرت‌های حاکم تعریف کرد (طالبی متین و همکاران، ۱۴۰۲).

۳- فرهنگ و توسعه سیاسی

فرهنگ به عنوان اساس رفتارهای انسانی و فعالیت‌های گروهی شناخته می‌شود و ابعاد مختلفی از کنش‌ها و رفتارهای انسان‌ها را شامل می‌شود. از این‌رو، می‌توان گفت که بخش عمده‌ای از رفتارهای سیاسی افراد و گروه‌ها تحت تأثیر فرهنگ حاکم بر آن جامعه شکل می‌گیرد. با توجه به این نکات، می‌توان نتیجه گرفت که توسعه به معنای کلی و به ویژه توسعه سیاسی، وابستگی زیادی به فرهنگ و باورهای اجتماعی دارد. به عبارتی دیگر، توسعه سیاسی را می‌توان به درختی تشبیه کرد که ریشه‌های آن شامل اعتقادات، باورها و مؤلفه‌های فرهنگی ملی و جهانی است. بنابراین، برای تحقق توسعه سیاسی، وجود باورها و شاخص‌های فرهنگی خاص هر جامعه ضروری است (حیدرپور کلیدسر و همکاران، ۱۳۹۶).

۴- موانع فرهنگی توسعه سیاسی

امروزه، اگرچه یک ایرانی از نظر فرهنگی با نسل‌های پیشین خود تفاوت‌هایی دارد، اما شباهت‌های خودآگاه و ناخودآگاه ما را به این نکته می‌رساند که باید به موضوع پالایش فرهنگی توجه خاصی داشته باشیم. درباره ویژگی‌های اخلاقی ایرانیان و به ویژه قابلیت‌های آنها، بحث‌های فراوانی انجام شده است. در حالی که برخی از این ویژگی‌ها ممکن است قابل ستایش باشند، اما تأثیرات منفی آنها در روند توسعه، موجب می‌شود که به‌عنوان موانع فرهنگی توسعه شناخته شوند. از این منظر، مهم‌ترین عواملی که در طول تاریخ به عنوان موانع فرهنگی در فرهنگ ایرانی ظهور کرده‌اند، شامل موارد زیر هستند: ۱- ضعف انگیزه توفیق‌طلبی، ۲-

هر کشور، لازم است که از یک دوره گذار سیاسی دشوار و بعضاً پرخطر عبور شود؛ اگر این دوره به‌طور غیرضروری طولانی شود، احتمال بازگشت به وضعیت قبلی افزایش می‌یابد. به دست آوردن توسعه سیاسی به معنای فرآیندی است که در آن نظام‌های ساده اقتدارگرا جای خود را به نظام‌های مبتنی بر حق رأی عمومی، احزاب سیاسی، نمایندگی و بروکراسی‌های مدنی می‌دهند. این امر نیازمند آگاهی و تحرک عمومی شهروندان از یک سو و پذیرش اراده حاکمان از سوی دیگر است. مباحث مربوط به توسعه سیاسی به حدود نیم قرن پیش برمی‌گردد، یعنی زمانی که جریان فکری نوسازی و حاکمیت شکل گرفت. واژه‌هایی مانند توسعه، نوسازی، تحول تاریخی، ترقی، پیشرفت و تکامل، همگی به دگرگونی در جهت بهبود مستمر وضعیت موجود اشاره دارند (اعتباریان خوراسگانی و قلی‌پور مقدم، ۱۳۹۶).

۲- توسعه فرهنگ سیاسی

یکی از مفاهیم مهم در حوزه علوم سیاسی و اجتماعی، «فرهنگ سیاسی» به شمار می‌آید. این مفهوم از ترکیب دو عنصر فرهنگ و سیاست به وجود آمده و به طور ساده می‌توان آن را به عنوان مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها و باورهای یک جامعه نسبت به نظام سیاسی خود تعریف کرد. بنابراین، برای درک فرهنگ سیاسی هر جامعه، لازم است که مطالعات جداگانه‌ای انجام شود و در این راستا با استخراج رویکردها، تحلیل روش‌های پژوهشی و ترسیم الگوها و قالب‌های مناسب آن جامعه پیش رفت. فرهنگ سیاسی در بستر تاریخی شکل می‌گیرد و به همین دلیل، هنگام بررسی آن در هر جامعه، باید ویژگی‌هایی را مدنظر قرار داد که ریشه در تاریخ آن جامعه دارند. از سوی دیگر، وجود تعاریف متنوعی از این مفهوم که توسط اندیشمندان مختلف ارائه شده است، بر پیچیدگی آن می‌افزاید. به همین دلیل، نخستین گام برای شناخت فرهنگ سیاسی، ارائه یک تعریف از

اسطوره‌گرایی، ۳- تأکید بر اصل و نسب، ۴- تمرکز زیاد بر احساسات، ۵- روحیه تقلید، ۶- ذهن‌گرایی، ۷- خشونت، ۸- واقعیت‌گریزی، ۹- عمل‌زدگی، ۱۰- محافظه‌کاری (شهرام‌نیا و مظفری، ۱۳۹۲).

۵- محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی

عدالت‌خواهی: عدالت‌خواهی یکی از ویژگی‌های بارز و خاص جامعه ایرانی است که می‌تواند به‌عنوان یکی از معیارهای توسعه‌پذیری در فرآیند توسعه مورد توجه قرار گیرد. ریشه‌های این مفهوم را می‌توان در اساطیر جستجو کرد، اما در تاریخ معاصر نیز این ویژگی فرهنگی تأثیر بسزایی در وضعیت اجتماعی دارد. برای مثال، یک نظرسنجی که در سال ۱۳۷۳ انجام شد، نشان‌دهنده ریشه‌های عمیق عدالت‌خواهی در جامعه ایرانی است؛ به طوری که ۷۹ درصد از شرکت‌کنندگان، عدالت را موضوعی بسیار مهم و اصلی‌ترین مسئله جامعه خود برشمردند. اگر مفهوم عدالت‌خواهی در عرصه سیاسی فرهنگ ایرانی تجلی یابد، می‌تواند تأثیر مثبتی بر روند توسعه داشته باشد. از منظر اقتصادی، عدالت توزیعی و برخورداری از حداقل استانداردهای زندگی به‌طور مستقیم بر رشد استعدادهای افراد جامعه و در نتیجه، افزایش سرمایه انسانی و اجتماعی تأثیرگذار خواهد بود (بایزدی و حسین‌پناهی، ۱۳۹۸).

جمع‌گرایی در مقابل فردگرایی: جمع‌گرایی را می‌توان به عنوان وجود تعهدات مشترک و متقابل میان اعضای یک جامعه تعریف کرد که افراد ملزم به رعایت آن هستند. در مقابل، فردگرایی به نظریه‌ای اشاره دارد که در آن منافع شخصی معمولاً بر منافع جمعی و ملی در نظر اکثریت جامعه ارجحیت دارد. با وجود ادعاهای غیرعلمی و عمدتاً قدیمی که در آثار مستشرقان و سفرنامه‌نویسانی نظیر دالواله^۲، موریه^۳، شاردن^۴، فولر^۵، فریزر^۶ و... مطرح شده است، پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهد که فرهنگ ایرانی به‌طور قابل توجهی از جمع‌گرایی بالایی برخوردار است. این جمع‌گرایی در

جامعه ایرانی می‌تواند به کاهش گسست اجتماعی، افزایش مشارکت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و در نهایت به کاهش فاصله میان مردم و دولت منجر شود؛ عواملی که هر یک نقش مهمی در فرآیند توسعه ایفا می‌کنند.

پلورالیسم فرهنگی: با توجه به تنوع قومی و مذهبی در ایران، کثرت‌گرایی فرهنگی یا پلورالیسم نقش اساسی در حفظ وحدت و ثبات در جامعه ایرانی ایفا کرده است. این نوع کثرت‌گرایی با پذیرش تفاوت‌ها میان دین‌ها و قوم‌های مختلف و ترویج تعاملات فرهنگی، به توسعه اجتماعی کمک می‌کند. بنابراین، ویژگی‌های کثرت‌گرایی فرهنگی می‌تواند به تقویت قدرت نرم جامعه منجر شود. با این حال، این ویژگی فرهنگی به طور کامل با سیاست‌های دولت در زمینه انحصار فرهنگی در تضاد است. کثرت‌گرایی فرهنگی در ایران، در برابر تبعیض‌های فرهنگی، می‌تواند به بهره‌برداری حداکثری از توانمندی‌های انسانی کمک کند. هرچند نشانه‌هایی از رفتارهایی چون سردی و زندگی ماشینی در جامعه ایران وجود دارد، اما صمیمیت و مهمان‌نازی به‌عنوان ویژگی‌های بارز فرهنگی، به خوبی تثبیت شده و مورد توجه مستشرقان و ایران‌شناسانی نظیر هانری کربن قرار گرفته است. این رفتارها را می‌توان در چارچوبی وسیع‌تر به عنوان بخشی از فرهنگ پذیرای جامعه ایرانی تحلیل کرد که بر مبنای پلورالیسم فرهنگی بنا شده است. ریشه‌های کثرت‌گرایی فرهنگی در آثار شاعران بزرگ مانند مولانا و حافظ نیز قابل مشاهده است.

احترام: با وجود اینکه در چند دهه اخیر به‌دلیل عوامل مختلف، فرهنگ احترام در جامعه ایرانی تا حدی کاهش یافته است، اما این شاخص فرهنگی هنوز هم در کشور ما مانند جامعه ژاپنی از اهمیت بالایی برخوردار است. رفتارهایی نظیر «احترام به بزرگتر» و «تعارف» نمونه‌هایی بارز از فرهنگ احترام در ایران هستند که مورد توجه

پژوهشگران زیادی قرار گرفته‌اند. نقش این شاخص فرهنگی مشابه منبع مشروعیت کاریزماتیک در نظریات ماکس وبر است. اثربخشی این شاخص در فرهنگ ایرانی به میزان کارایی و اعتبار منبعی که احترام از آن ناشی می‌شود وابسته است. زمانی که منبع احترام معتبر باشد، این شاخص می‌تواند در موقعیت‌های بحرانی، اختلافات و حتی جنگ‌ها به طور مؤثری در حل مشکلات و ایجاد ثبات کمک کند. هنوز هم در سطح خرد جامعه، این شاخص نقش مهمی در حل اختلافات خانوادگی و قضایی ایفا می‌کند که نمونه‌های آن را می‌توان در روش‌های مصلحتی برای حل اختلافات در برخی مناطق ایران مشاهده کرد (بایزدی و حسین‌پناهی، ۱۳۹۸).

پیشینه پژوهش

موسوی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «موانع توسعه سیاسی در ایران معاصر با تاکید بر هویت سیاسی و فرهنگی» به این نتیجه رسیدند که با وجود پیشرفت نهادهای جامعه مدنی و افزایش خواسته‌های توسعه‌طلبانه در عرصه سیاسی پس از انقلاب مشروطه، ضعف در توسعه سیاسی به دلیل سیستم حکومتی متمرکز، کمبود زمینه‌های توافق میان گروه‌های سیاسی، عدم هماهنگی میان ثروتمندان، دانشمندان و سیاستمداران، و همچنین سیاست‌های نامناسب قومی تأثیرات منفی بر این روند داشته است. میرهادی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر ساختار نظام سیاسی بر میزان باز و بسته بودن رسانه‌ها به عنوان محرک توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی» به بررسی نقش رسانه‌ها در این حوزه‌ها پرداخته و اشاره کردند که رسانه‌ها نه تنها بر ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌گذارند، بلکه به شدت تحت تأثیر این ساختارها، به ویژه نظام سیاسی قرار دارند. به طوری که در کشورهایی با نظام‌های سیاسی باز، رسانه‌ها نیز از آزادی بیشتری برخوردارند و محدودیت‌های کمتری

دارند؛ درحالی که در نظام‌های سیاسی بسته، رسانه‌ها با محدودیت‌های بیشتری روبه‌رو هستند. رزم‌جوئی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی موانع توسعه سیاسی با تاکید بر فرهنگ سیاسی مشارکتی» که به صورت موردی دانشجویان دانشگاه شیراز را مورد مطالعه قرار دادند، به این نتیجه رسیدند که میان فرهنگ سیاسی مشارکتی و توسعه سیاسی یک رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. همچنین، مشخص شد که بین فرهنگ سیاسی تبعی و محدود با توسعه سیاسی، رابطه‌ای منفی وجود دارد. از سوی دیگر، بین متغیرهایی مانند اعتماد اجتماعی، فرهنگ گفتگو، فردگرایی، چندپارگی‌های سیاسی و اجتماعی، تمرکز منابع قدرت و فرهنگ سیاسی مشارکتی، ارتباط منفی مشاهده شد. در مقابل، فعالیت‌های مدنی، استفاده از رسانه‌های عمومی و فرصت‌های برابر اجتماعی و سیاسی با فرهنگ سیاسی مشارکتی رابطه مثبت دارند. ابوالفضلی و پسندیده (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی و موانع توسعه‌ای آن در دوران جمهوری اسلامی» به این نتیجه رسیدند که با وجود نگرش مثبت بنیان‌گذاران انقلاب نسبت به اجرای سیاست‌ها و قوانین پیشرفته در زمینه توسعه فرهنگی، عواملی مانند ضعف جامعه مدنی، بنیادگرایی و محافظه‌کاری، سیاست‌های متناقض فرهنگی در دولت‌های مختلف، وضع قوانین بدون بررسی کارشناسی، سیاست‌زدگی در موضوع فرهنگ و موانع تاریخی از جمله مهم‌ترین چالش‌ها و موانع توسعه فرهنگی در کشور محسوب می‌شوند. عسکری و خدای (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «مطالعه موانع توسعه سیاسی در ایران با تاکید بر عدم مشارکت نخبگان دانشگاهی» که به صورت موردی اساتید دانشگاه‌های لارستان را مورد مطالعه قرار دادند، از تحلیل مضمون استفاده کردند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که ده مضمون اصلی شناسایی شده است: نارسایی فرهنگی و

آموزشی، ضعف فرهنگی، کژتابی نگرش افراد به توسعه سیاسی، ضعف اطلاع‌رسانی رسانه‌ها، اشتغال و سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد دولت‌ها، احساس محرومیت نسبی، ضعف سرمایه اجتماعی، موانع تاریخی، ضعف جامعه مدنی و عوامل سیاسی. درنهایت، این چهار مضمون سازمان‌دهنده استخراج شد: موانع فرهنگی (نارسایی فرهنگی و آموزشی، ضعف فرهنگی، کژتابی نگرش افراد به توسعه سیاسی و ضعف اطلاع‌رسانی رسانه‌ها)، موانع اقتصادی (وضعیت اشتغال و سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد دولت‌ها)، موانع اجتماعی (احساس محرومیت نسبی، ضعف سرمایه اجتماعی و ضعف جامعه مدنی) و موانع ساختاری (عوامل تاریخی و عوامل سیاسی). ندرلو و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «پدیدارشناسی موانع فرهنگی توسعه در زنجان» که به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کلایزی استفاده کردند به این نتیجه رسیدند که جهانی‌شدن و پیشرفت‌های تکنولوژیکی، همراه با استفاده نادرست از ابزارهای توسعه نظیر اینترنت، ماهواره و فضای مجازی، باعث تضعیف بنیان خانواده‌ها و افزایش تمایل به فردگرایی و منفعت‌طلبی منفی شده است. همچنین، برخورد سنت و مدرنیته، تعصب شدید نسبت به ایل و تبار، احساس بیگانگی و مصرف‌گرایی، تغییرات فرهنگی ناشی از توسعه فرهنگی، عدم مطالبه‌گری اجتماعی، بی‌توجهی به قانون‌مداری و رفتار اجتماعی صحیح، و ناکامی در تحقق سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، نمادین، انسانی، اقتصادی و سیاسی نیز از دیگر موانع فرهنگی برای دستیابی به توسعه به شمار می‌آید. جانعلی‌نژاد و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «موانع و راهبردهای تحقق توسعه فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسیدند که بی‌توجهی به ارزش‌های اسلامی و اصول فرهنگی انقلاب اسلامی، به همراه بازگشت به فرهنگ‌های غربی و طاغوتی، موجب

می‌شود که انقلاب فاقد محتوا و هویت اسلامی باقی بماند. از این‌رو، مدیران ارشد انقلاب باید به‌طور هوشمندانه برای رفع این موانع فرهنگی اقدام کنند و سیاست‌ها و برنامه‌های مناسبی را تدوین نمایند. برای ایجاد یک جامعه اسلامی نمونه و تربیت انسان‌هایی مطابق با آرمان‌های فرهنگی انقلاب اسلامی، موضوعاتی چون استقلال فرهنگی، تأمین رفاه عمومی، تقویت دیانت مردم و تحقق تمدن اسلامی باید مورد توجه قرار گیرد؛ بنابراین، سرمایه‌گذاری ویژه در حوزه فرهنگ برای دستیابی به این اهداف از اهمیت بالایی برخوردار است. در پژوهشی که توسط غزالی و همکاران (۲۰۲۲) غزالی و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «توسعه در مقابل دیدگاه‌های سیاسی مالکیت دولت: چگونه بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد؟» که در مالزی انجام دادند، به مطالعه دیدگاه توسعه و دیدگاه سیاسی مالکیت دولت را با نظریه چرخه عمر شرکت برای توضیح کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها پرداختند. آنان متوجه شدند که مالکیت دولت بر شرکت‌ها در مراحل معرفی و افول ناشی از دیدگاه توسعه است که کارایی سرمایه‌گذاری را بهبود می‌بخشد. با این حال، مطابق با دیدگاه سیاسی، مالکیت دولتی بالاتر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را در مراحل رشد و بلوغ بدتر می‌کند. برای شرکت‌هایی که در این دو مرحله قرار دارند، ما همچنین یک اثر آستانه قابل توجهی از مالکیت دولت بر کارایی سرمایه‌گذاری پیدا کردند. نتایج نشان داد که هدف مشارکت دولت براساس مراحل توسعه شرکت‌ها متفاوت است.

نستین و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «موانع فرهنگی در روند بازآفرینی حزب سیاسی اسلامی در اندونزی» به بررسی موانع فرهنگی حزب بیداری ملی (PKB) در معرفی اعضای خود به‌عنوان نامزد در انتخابات ریاست‌جمهوری پرداخته‌اند. از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۹، PKB نتوانسته است اعضای خود را به عنوان

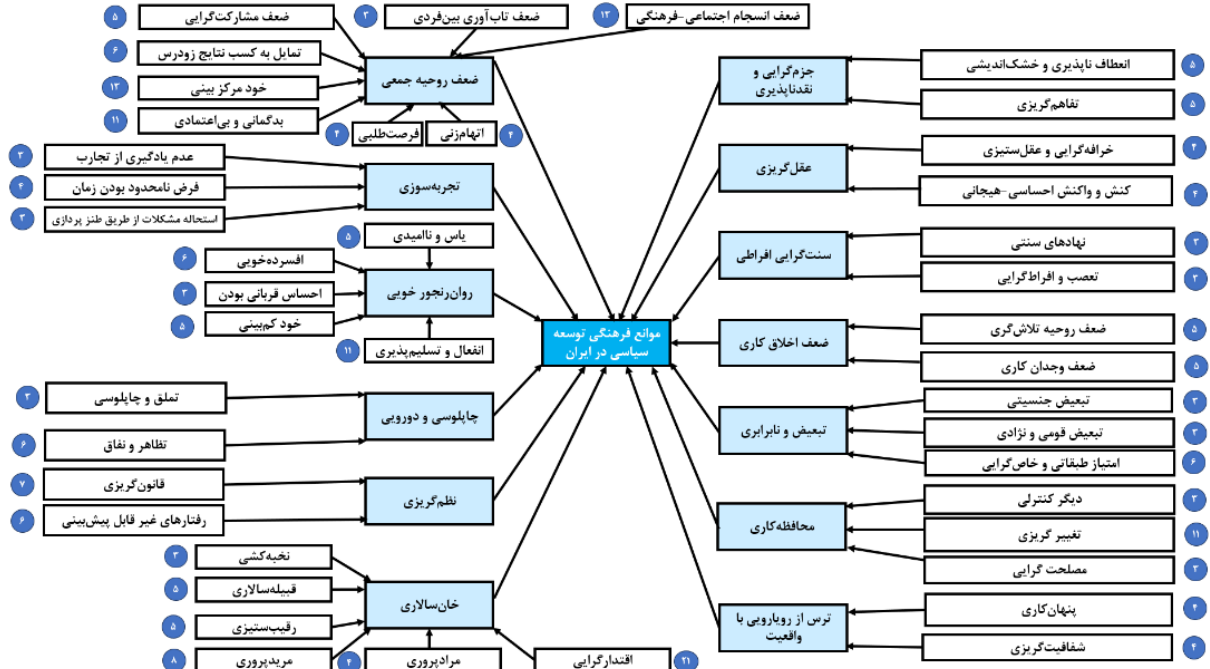
نامزد معرفی کند که این مسئله به موانع فرهنگی در پویایی‌های داخلی حزب و سیستم کادر آن نسبت داده شده است. روش تحقیق شامل رویکردهای توصیفی کیفی و بحث‌های گروهی متمرکز (FGD) با هفت متخصص بود. یافته‌ها سه مانع فرهنگی اصلی را شناسایی کردند: خودمحوری رهبران و وابستگی شخصی، اطاعت که تفکر انتقادی را محدود می‌کند، و هویت "خون سبز" که امتیازات خاصی در سیستم کادر PKB دارد. این موانع فرهنگی تنها مختص PKB نیستند و در اکثر احزاب سیاسی اسلامی در اندونزی مشترک هستند.

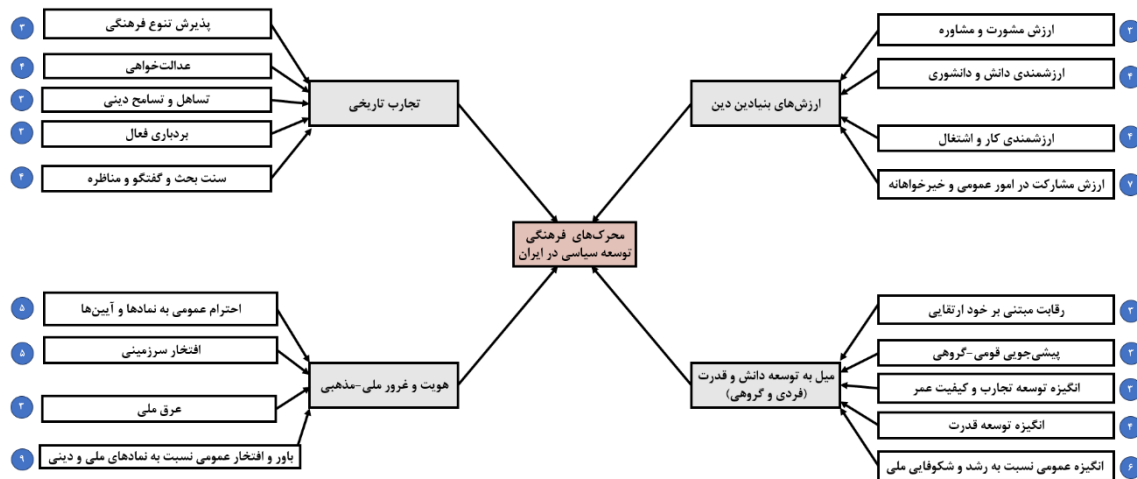
روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی بوده و از لحاظ روش، به صورت توصیفی-پیمایشی طراحی شده است. روابط مورد بررسی در این مطالعه از نوع علت و معلولی است. برای ارائه یک مدل ساختاری تفسیری از موانع و محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران، از رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) بهره گرفته شده است. این پژوهش در استان اصفهان انجام شده است که به عنوان یکی از مراکز علمی و دانشگاهی کشور، شامل تعداد زیادی از خبرگان و متخصصان در حوزه‌های مختلف مرتبط با توسعه سیاسی و فرهنگی می‌باشد. نحوه انتخاب مشارکت‌کنندگان و جمع‌آوری اطلاعات، نظرات خبرگان و متخصصان مرتبط با موضوع پژوهش دریافت شد. جامعه آماری شامل خبرگان دانشگاهی در استان اصفهان انتخاب گردید. انتخاب این خبرگان براساس تخصص و تجربه آنها در زمینه‌های مرتبط با موضوع پژوهش صورت گرفت. برای گزینش خبرگان، از روش نمونه‌گیری قضاوتی هدفمند استفاده شد. این روش به محقق این امکان را می‌دهد که افراد با دانش و تجربه کافی را براساس معیارهای خاص انتخاب کند. طبق پژوهش لشکر بلوکی و همکاران (۱۳۹۱)، تعداد خبرگان مناسب بین ۴ تا ۱۴ نفر ذکر شده است؛ به همین

دلیل، ۹ نفر از خبرگان به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند. شاخص‌های انتخاب خبرگان شامل مواردی همچون تجربه علمی و پژوهشی در زمینه توسعه سیاسی، تألیفات مرتبط، و حضور در کنفرانس‌ها و سمینارهای مرتبط با موضوع پژوهش بود که این شاخص‌ها به تضمین کیفیت و اعتبار نظرات ارائه شده کمک کردند.

روایی در پژوهش‌های کیفی به معنای بررسی دقت یافته‌ها با استفاده از رویه‌های مشخص است و برخلاف پژوهش‌های کمی، آزمون استاندارد برای آن وجود ندارد. کینگ و هوراکس (۲۰۱۰) چهار روش برای ارزیابی اعتبار تحلیل مضمون ارائه کرده‌اند: کدگذاری مستقل و گروه خبرگان، دریافت بازخورد از پاسخ‌دهندگان، تطابق همگونی با منابع مختلف، و ارائه توصیفی غنی. در این پژوهش، برای اطمینان از روایی یافته‌ها از تنوع منابع و روش‌های گردآوری داده‌ها و بازخورد مضامین استخراج شده استفاده شد. پس از جمع‌آوری نظرات خبرگان، برخی کدها ادغام و تعدادی مضمون پایه اصلاح یا حذف شدند که منجر به کاهش تعداد کدها از ۳۵۰ به ۲۳۸ برای موانع و از ۱۴۰ به ۷۶ برای محرک‌ها گردید. پایایی در پژوهش‌های کیفی به معنای دقت و قابل اعتماد بودن نتایج در اندازه‌گیری مجدد خصیصه‌ها است. گیبز (۲۰۰۷) چندین رویه برای تعیین پایایی پیشنهاد می‌کند، از جمله بررسی رونوشت‌ها، اطمینان از ثبات تعریف کدها، هماهنگی میان کدگذارها و بررسی متقابل کدها. در این پژوهش، برای اطمینان از صحت یادداشت‌ها، یادداشت‌های چهار مصاحبه به صورت تصادفی به مصاحبه‌شوندگان ارائه شد. همچنین از ضریب پایایی هولستی برای محاسبه پایایی کدگذاری‌ها استفاده شد که نشان داد پایایی کدهای استخراج شده برابر ۰.۹۱ است، که بالاتر از حد مطلوب ۰.۷ می‌باشد و به این ترتیب پایایی یافته‌ها در سطح مطلوب برآورد گردید.





شکل ۲- شبکه مضامین (محرك‌ها) (جمال عشینی و همکاران، ۱۴۰۳)

گام دوم: تشکیل ماتریس خود تعاملی ساختاری

پس از شناسایی موانع و محرك‌ها، یک پرسشنامه ماتریسی ISM طراحی گردید. در این مرحله، کارشناسان به بررسی زوجی این موانع و محرك‌ها پرداخته و با استفاده از نمادهای زیر، روابط بین آنها را مشخص کردند: V: زمانی که عنصر i بر عنصر j تأثیر دارد؛ A: زمانی که عنصر j بر عنصر i تأثیر می‌گذارد؛ X: در صورت تأثیر متقابل بین عناصر i و j؛ O: در صورت عدم وجود ارتباط بین عناصر i و j. اطلاعات به دست

آمده با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری تجزیه و تحلیل شده و یک ماتریس خود تعاملی ساختاری از ابعاد و مؤلفه‌های پژوهش ایجاد گردید که در آن مقایسه‌ها براساس چهار نوع رابطه مفهومی انجام شد. منطق حاکم بر مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) بر پایه مد در فراوانی‌ها استوار است. نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌ها درباره عناصر مورد بررسی در جدول ۲ (برای موانع) و جدول ۳ (برای محرك‌ها) ارائه شده است.

جدول ۲- ماتریس خودتعاملی ساختاری (موانع)

ردیف	موانع	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱	جزم‌گرایی و نقدناپذیری		X	A	O	V	V	V	V	V	A	V	V	V
۲	عقل‌گریزی			A	V	V	V	V	V	V	A	V	V	V
۳	سنت‌گرایی افراطی				O	V	V	O	O	V	X	V	V	O
۴	روان‌رنجور خویی					X	X	A	A	A	O	A	X	A
۵	ضعف اخلاق کاری							X	A	A	O	A	X	A
۶	ضعف روحیه جمعی								A	A	O	A	X	A
۷	تبعیض و نابرابری								X	X	A	X	V	X
۸	محافظه‌کاری									X	A	X	V	X
۹	ترس از رویارویی با واقعیت										A	X	V	X
۱۰	خان‌سالاری											V	O	V
۱۱	چاپلوسی و دورویی												V	X

ردیف		محرك‌ها	۱	۲	۳	۴
۱		ارزش‌های بنیادین دین		V	V	X
۲		ميل به توسعه دانش و قدرت (فردی و گروهی)			A	A
۳		هویت و غرور ملی - مذهبی				A
۴		تجارب تاریخی				

گام سوم: تشکیل ماتریس دسترسی اولیه

ماتریس دسترسی اولیه از تبدیل ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی (شامل صفر و یک) به دست می آید. برای جایگزینی نمادهای چهارگانه موجود در جدولهای ۴ و ۵ با اعداد صفر و یک، از فواین زیر استفاده می شود تا ماتریس دسترسی اولیه استخراج گردد: اگر ورودی (i, j) در ماتریس خودتعاملی ساختاری نشان دهنده V باشد، در ماتریس

ردیف	موانع	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱	جزم‌گرایی و نقدناپذیری	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱
۲	عقل‌گریزی	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱
۳	سنت‌گرایی افراطی	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰
۴	روان‌رنجور خویی	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱
۵	ضعف اخلاق کاری	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱
۶	ضعف روحیه جمعی	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱
۷	تبعیض و نابرابری	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱
۸	محافظه‌کاری	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱
۹	ترس از رویارویی با واقعیت	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱
۱۰	خان‌سالاری	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱
۱۱	چاپلوسی و دورویی	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱
۱۲	نظم‌گریزی	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱
۱۳	تجربه‌سوزی	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱

جدول ۴ ماتریس دسترسی اولیه (موانع) از تبدیل
ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی
جدول ۵- ماتریس دسترسی اولیه (محرک‌ها)

ردیف	محرک‌ها	۱	۲	۳	۴
۱	ارزش‌های بنیادین دین	۱	۱	۱	۱
۲	میل به توسعه دانش و قدرت (فردی و گروهی)	۰	۱	۰	۰
۳	هویت و غرور ملی-مذهبی	۰	۱	۱	۰
۴	تجارب تاریخی	۱	۱	۱	۱

جدول ۵ ماتریس دسترسی اولیه (محرک‌ها) از تبدیل
ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی
(شامل صفر و یک) به دست آمد.

گام چهارم: ایجاد ماتریس دسترسی نهایی

پس از به دست آوردن ماتریس دسترسی اولیه، روابط
ثانویه میان موانع و محرک‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.
به این ترتیب که اگر مانع (محرک) i باعث ایجاد مانع
(محرک) j شود و مانع (محرک) j نیز موجب بروز مانع
(محرک) k گردد، در این صورت می‌توان نتیجه گرفت
که مانع (محرک) i نیز تأثیرگذار بر مانع (محرک) k
خواهد بود. در این مرحله، تمامی روابط ثانویه میان
موانع و محرک‌ها تحلیل شد و روابط ثانویه در موانع با

علامت *^۱ مشخص شد. اما در میان محرک‌ها هیچ رابطه
ثانویه‌ای شناسایی نشد. بنابراین، ماتریس دسترسی اولیه
همان ماتریس دسترسی نهایی خواهد بود. در این
ماتریس، میزان نفوذ و وابستگی هر یک از موانع و
محرک‌ها نیز نمایش داده شده است. قدرت نفوذ یک
مانع (محرک) از مجموع تعداد موانع (محرک‌های) تحت
تأثیر آن و خود مانع (محرک) به دست می‌آید و وابستگی
یک مانع (محرک) نیز از مجموع موانعی (محرک‌هایی)
که تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند و خود آن مانع (محرک)
محاسبه می‌شود. جدول ۶ (برای موانع) و جدول ۷ (برای
محرک‌ها)، ماتریس دسترسی نهایی را نشان می‌دهد.

جدول ۶- ماتریس دسترسی نهایی (موانع)

ردیف	موانع	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	نفوذ
۱	جزم‌گرایی و نقد ناپذیری	۱	۱	۰	۱*	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱۱
۲	عقل‌گریزی	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱۱
۳	سنت‌گرایی افراطی	۱	۱	۱	۱*	۱	۱	۱*	۱*	۱	۱	۱	۱	۱*	۱۳
۴	روان‌رنجور خویی	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۵
۵	ضعف اخلاق کاری	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۵
۶	ضعف روحیه جمعی	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۵
۷	تبعیض و نابرابری	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۹
۸	محافظه‌کاری	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۹
۹	ترس از رویارویی با واقعیت	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۹
۱۰	خان‌سالاری	۱	۱	۱	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱*	۱	۱	۱*	۱	۱۳
۱۱	چاپلوسی و دورویی	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۹
۱۲	نظم‌گریزی	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۵

ردیف	محرك‌ها	۱	۲	۳	۴	نفوذ
۱	ارزش‌های بنیادین دین	۱	۱	۱	۱	۴
۲	میل به توسعه دانش و قدرت (فردی و گروهی)	۰	۱	۰	۰	۱
۳	هویت و غرور ملی -مذهبی	۰	۱	۱	۰	۲
۴	تجارب تاریخی	۱	۱	۱	۱	۴
	وابستگی	۲	۴	۳	۲	-

در این مرحله، با بهره‌گیری از ماتریس دسترسی، پس از شناسایی مجموعه‌های ورودی و خروجی، تقاطع این مجموعه‌ها برای هر یک از مؤلفه‌ها محاسبه می‌شود. مجموعه خروجی یک مؤلفه شامل خود آن مؤلفه و مؤلفه‌هایی است که بر آنها تأثیر می‌گذارد و این تأثیرات با "۱"های موجود در سطر مربوط به آن مؤلفه قابل شناسایی است. همچنین، مجموعه ورودی یک مؤلفه شامل خود آن و مؤلفه‌هایی است که تحت تأثیر آن قرار

تکرارها	شماره موانع	موانع	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
اول	۴	روان رنجور خویی	۴-۵-۶-۱۲-۱۳	۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳	۴-۵-۶-۱۲-۱۳	۱
	۵	ضعف اخلاق کاری	۴-۵-۶-۱۲-۱۳	۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳	۴-۵-۶-۱۲-۱۳	۱
	۶	ضعف روحیه جمعی	۴-۵-۶-۱۲-۱۳	۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳	۴-۵-۶-۱۲-۱۳	۱
	۱۲	نظم‌گریزی	۴-۵-۶-۱۲-۱۳	۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳	۴-۵-۶-۱۲-۱۳	۱
	۱۳	تجربه‌سوزی	۴-۵-۶-۱۲-۱۳	۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳	۴-۵-۶-۱۲-۱۳	۱
دوم	۷	تبعض و نابرابری	۷-۸-۹-۱۱	۱-۲-۳-۷-۸-۹-۱۰-۱۱	۷-۸-۹-۱۱	۲

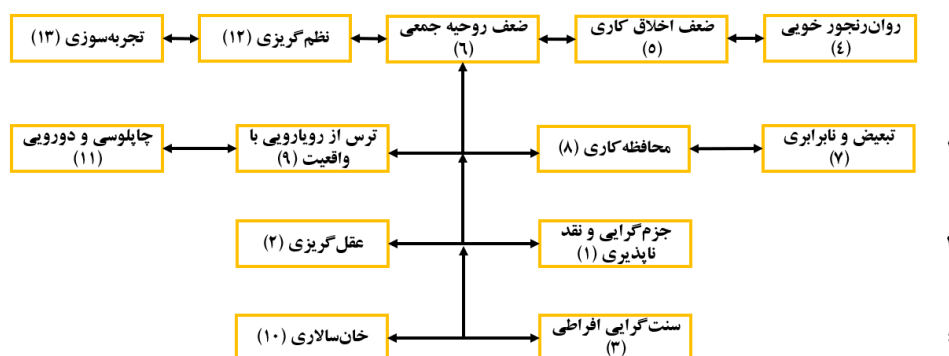
۲	۷-۸-۹-۱۱	۱-۲-۳-۷-۸-۹-۱۰-۱۱	۷-۸-۹-۱۱	محافظه‌کاری	۸	
۲	۷-۸-۹-۱۱	۱-۲-۳-۷-۸-۹-۱۰-۱۱	۷-۸-۹-۱۱	ترس از رویارویی با واقعیت	۹	
۲	۷-۸-۹-۱۱	۱-۲-۳-۷-۸-۹-۱۰-۱۱	۷-۸-۹-۱۱	چاپلوسی و دورویی	۱۱	
۳	۱-۲	۱-۲-۳-۱۰	۱-۲	جزم‌گرایی و نقد ناپذیری	۱	سوم
۳	۱-۲	۱-۲-۳-۱۰	۱-۲	عقل‌گریزی	۲	
۴	۳-۱۰	۳-۱۰	۳-۱۰	سنت‌گرایی افراطی	۳	چهارم
۴	۳-۱۰	۳-۱۰	۳-۱۰	خان‌سالاری	۱۰	

این روند تا زمانی که تمامی اجزای سطوح مختلف سیستم شناسایی شوند، ادامه خواهد یافت. نتایج مربوط به سطح‌بندی کامل مؤلفه‌ها در جدول ۸ (برای موانع) و جدول ۹ (برای محرک‌ها) ارائه شده است.

جدول ۹- سطح‌بندی (محرک‌ها)

تکرار	شماره محرک‌ها	محرک‌ها	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
اول	۲	میل به توسعه دانش و قدرت (فردی و گروهی)	۲	۱-۲-۳-۴	۲	۱
دوم	۳	هویت و غرور ملی-مذهبی	۳	۱-۳-۴	۳	۲
سوم	۱	ارزش‌های بنیادین دین	۱-۴	۱-۴	۱-۴	۳
چهارم	۴	تجارب تاریخی	۱-۴	۱-۴	۱-۴	۳

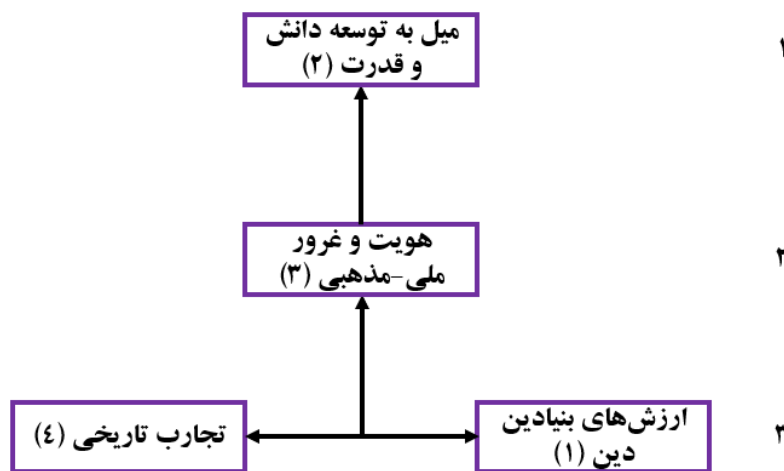
گام ششم: ترسیم مدل نهایی
در این مرحله، با در نظر گرفتن سطوح موانع و ماتریس دسترسی نهایی، یک مدل اولیه طراحی می‌شود. پس از آن، با حذف انتقال‌پذیری‌ها از این مدل اولیه، مدل نهایی ایجاد می‌گردد. به این ترتیب، مدل نهایی ISM که براساس موانع و محرک‌ها شکل گرفته است، در شکل ۳ (مربوط به موانع) و شکل ۴ (مربوط به محرک‌ها) نمایش داده شده است.



شکل ۳- مدل نهایی ISM (موانع)

پایین‌تر اثر می‌پذیرند. در سطح سوم موانع شماره ۱ «جزم‌گرایی و نقد ناپذیری» و ۲ «عقل‌گریزی» قرار گرفته‌اند که بر موانع سطوح بالاتر اثر می‌گذارند و از موانع سطح پایین‌تر اثر می‌پذیرند. در سطح آخر (چهارم) موانع شماره ۳ «سنت‌گرایی افراطی» و ۱۰ «خان‌سالاری» قرار گرفته‌اند که بر همه موانع مدل اثر می‌گذارند. این دو مانع، مهمترین موانع مدل هستند.

همان‌طور که در شکل ۳ مشخص است موانع شماره ۴ «روان‌رنجور خویی»، ۵ «ضعف اخلاق کاری»، ۶ «ضعف روحیه جمعی»، ۱۲ «نظم‌گریزی» و ۱۳ «تجربه‌سوزی» در در سطح اول قرار گرفته‌اند؛ این موانع، تأثیرپذیرترین موانع مدل هستند. در سطح دوم موانع شماره ۷ «تبعیض و نابرابری»، ۸ «محافظه‌کاری»، ۹ «ترس از رویارویی با واقعیت» و ۱۱ «چاپلوسی و دورویی» قرار گرفته‌اند که بر موانع سطح اول اثر می‌گذارند و از موانع سطوح



شکل ۴- مدل نهایی ISM (محرک‌ها)

محرک‌های خودمختار (ناحیه ۱) است که دارای نفوذ و وابستگی ضعیفی هستند. این دسته از موانع و محرک‌ها تا حدی از سایرین متمایز بوده و ارتباط کمی با دیگر موارد دارند. دسته دوم شامل موانع و محرک‌های وابسته (ناحیه ۲) است که با وجود نفوذ ضعیف، وابستگی بالایی دارند. دسته سوم به موانع و محرک‌های پیوندی (ناحیه ۳) اختصاص دارد که از نفوذ و وابستگی بالایی برخوردارند؛ به‌طوری‌که هرگونه تغییر در این موانع و محرک‌ها می‌تواند بر سایرین تأثیر بگذارد. دسته چهارم شامل موانع و محرک‌های مستقل (ناحیه ۴) است که دارای نفوذ بالا و وابستگی کمی هستند. موانع و محرک‌هایی که نفوذ بالایی دارند، به‌عنوان موانع و محرک‌های کلیدی شناخته می‌شوند و به‌وضوح در یکی از دو دسته مستقل یا پیوندی قرار می‌گیرند. با جمع‌آوری

همان‌طور که در شکل ۴ مشخص است محرک شماره ۲ «میل به توسعه دانش و قدرت» در سطح اول قرار گرفته است؛ این محرک، تأثیرپذیرترین محرک در مدل می‌باشد. در سطح دوم محرک شماره ۳ «هویت و غرور ملی-مذهبی» قرار گرفته است که روی محرک سطح اول اثر می‌گذارد و از محرک‌های سطح پایین‌تر اثر می‌پذیرد. در سطح آخر (سوم) محرک‌های شماره ۱ «ارزش‌های بنیادین دین» و ۴ «تجارب تاریخی» قرار گرفته‌اند که بر همه محرک‌های مدل اثر می‌گذارند. این محرک‌ها، مهمترین محرک‌های مدل هستند.

گام هفتم: تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی (نمودار MICMAC)

در این مرحله، موانع و محرک‌ها به چهار دسته تقسیم‌بندی می‌شوند. دسته اول شامل موانع و

نابرابری»، ۸ «محافظه‌کاری»، ۹ «ترس از رویارویی با واقعیت» و ۱۱ «چاپلوسی و دورویی» در ناحیه پیوندی قرار دارند و این یعنی با اینکه قدرت نفوذ تقریباً بالایی دارند اما وابستگی آنها نیز بالاست.

زیاد	۴		۱-۴		
	۳	نفوذ			پیوندی
نفوذ	۲	خودمختار		۳	وابسته
	۱				۲
کم		۱	۲	۳	۴
		وابستگی		زیاد	

شکل ۶- ماتریس MICMAC (محرک‌ها)

«تبعیض و نابرابری»، «محافظه‌کاری»، «ترس از رویارویی با واقعیت» و «چاپلوسی و دورویی». سطح سوم: «جزم‌گرایی و نقد ناپذیری» و «عقل‌گریزی». سطح آخر (چهارم): «سنت‌گرایی افراطی» و «خان‌سالاری». این دو مانع، مهمترین و تأثیرگذارترین موانع مدل هستند. مانع «روان‌رنجور خویی»، به نوعی از اختلالات روانی اشاره دارد که باعث ایجاد احساس ناامیدی، بی‌اعتمادی و عدم انگیزه در جامعه می‌شود. روان‌رنجور خویی می‌تواند به کاهش مشارکت اجتماعی و سیاسی منجر شود، زیرا افراد در چنین شرایطی تمایل کمتری به فعالیت‌های جمعی و سیاسی دارند. این وضعیت نه تنها بر فرد تأثیر می‌گذارد بلکه می‌تواند به تضعیف روابط اجتماعی و کاهش همبستگی جامعه نیز منجر شود. «ضعف اخلاق کاری» به معنای عدم تعهد به اصول اخلاقی و حرفه‌ای در انجام وظایف است. این ضعف می‌تواند منجر به فساد اداری، ناکارآمدی و عدم تحقق هدف‌های توسعه‌ای شود. در یک جامعه که افراد به اصول اخلاقی پایبند نیستند، اعتماد عمومی کاهش می‌یابد و این موضوع به تضعیف نهادهای سیاسی و اجتماعی منجر خواهد شد. مانع ضعف روحیه جمعی به عدم همکاری و همبستگی میان اعضای جامعه اشاره دارد. «ضعف روحیه جمعی» می‌تواند به تفرقه، بی‌اعتمادی و عدم همکاری میان

همان‌طور که در ماتریس MICMAC (شکل ۶) مشخص است محرک شماره ۲ «میل به توسعه دانش و قدرت» و محرک شماره ۳ «هویت و غرور ملی-مذهبی» در ناحیه وابسته قرار دارند و این یعنی از قدرت نفوذ کم ولی میزان وابستگی زیاد نسبت به دیگر محرک‌ها برخوردار هستند. محرک شماره ۱ «ارزش‌های بنیادین دین» و محرک شماره ۴ «تجارب تاریخی» در ناحیه نفوذ قرار دارند. این محرک‌ها از قدرت نفوذ بالا با حداقل وابستگی برخوردارند.

در اینجا فرآیند مدل‌سازی موانع و محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران با استفاده از روش ساختاری-تفسیری (ISM) به پایان می‌رسد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل ساختاری تفسیری از موانع و محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران انجام شد. در این پژوهش ۲ مدل ارائه شد. مدل اول مدل موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران است شامل ۱۳ مانع می‌باشد که در چهار سطح قرار گرفته‌اند. سطح‌بندی موانع به این ترتیب است: سطح اول: «روان‌رنجور خویی»، «ضعف اخلاق کاری»، «ضعف روحیه جمعی»، «نظم‌گریزی» و «تجربه‌سوزی». این موانع، تأثیرپذیرترین موانع مدل هستند. سطح دوم:

گروه‌های مختلف اجتماعی منجر شود. زمانی که افراد احساس کنند که منافع شخصی بر منافع جمعی ارجح است، فرآیندهای دموکراتیک و مشارکت سیاسی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. «نظم‌گزیزی» به معنای عدم رعایت قوانین و مقررات است که می‌تواند به بی‌ثباتی اجتماعی منجر شود. زمانی که افراد نسبت به قوانین بی‌اعتنا باشند، نهادهای سیاسی و اجتماعی نمی‌توانند به درستی عمل کنند. این وضعیت می‌تواند به افزایش فساد و کاهش اعتماد عمومی منجر شود و در نهایت بر فرآیند توسعه سیاسی تأثیر منفی بگذارد. «تجربه‌سوزی» به معنای نادیده گرفتن درس‌های گذشته و تکرار اشتباهات است. این مانع می‌تواند به عدم یادگیری از تجارب تاریخی و اجتماعی منجر شود و در نتیجه، جامعه را در مسیرهای نادرست قرار دهد. تجربه‌سوزی می‌تواند به تکرار خطاهای گذشته منجر شود و فرآیند توسعه سیاسی را کند یا متوقف کند. «تبعیض و نابرابری» به معنای عدم برابری فرصت‌ها و حقوق در جامعه است. این موضوع می‌تواند به احساس بی‌عدالتی و نارضایتی عمومی منجر شود. زمانی که گروه‌های مختلف اجتماعی احساس کنند که حقوق آنها نادیده گرفته شده است، تمایل کمتری به مشارکت در فرآیندهای سیاسی خواهند داشت. «محافظه‌کاری» به معنای تمایل به حفظ وضعیت موجود و مقاومت در برابر تغییرات است. این مانع می‌تواند به عدم پذیرش نوآوری‌ها و تغییرات لازم برای توسعه سیاسی منجر شود. محافظه‌کاری ممکن است ناشی از ترس از ناشناخته‌ها یا عدم اعتماد به توانایی‌های خود برای ایجاد تغییر باشد. مانع «ترس از رویارویی با واقعیت» به عدم تمایل افراد برای مواجهه با مشکلات اساسی جامعه اشاره دارد. ترس از رویارویی با واقعیت می‌تواند به انکار مشکلات موجود منجر شود و از تلاش برای حل آنها جلوگیری کند. این وضعیت می‌تواند به ایجاد فضای توهمی در جامعه منجر شود که در آن مشکلات واقعی نادیده گرفته می‌شوند. «چاپلوسی و

دورویی» به رفتارهایی اشاره دارد که در آن افراد برای جلب توجه یا رضایت دیگران، حقیقت را کتمان می‌کنند یا خود را مطابق با انتظارات دیگران تغییر می‌دهند. این رفتارها می‌توانند باعث تضعیف روابط اجتماعی و عدم صداقت در تعاملات میان افراد شوند، که خود به کاهش اعتماد عمومی منجر خواهد شد. مانع «جزم‌گرایی و نقد ناپذیری» به عدم تحمل دیدگاه‌های مختلف اشاره دارد که می‌تواند فضای گفت‌وگو را محدود کند. جزم‌گرایی باعث می‌شود که افراد تنها براساس باورهای خود عمل کنند و از شنیدن نظرات دیگران خودداری کنند. این وضعیت می‌تواند به تضعیف دموکراسی و کاهش مشارکت سیاسی منجر شود. «عقل‌گزیزی» به معنای عدم توجه به دلایل منطقی در تصمیم‌گیری‌هاست. این مانع می‌تواند موجب شود که تصمیمات بر اساس احساسات یا باورهای غیرمنطقی اتخاذ شوند، که خود به تضعیف فرآیندهای دموکراتیک منجر خواهد شد. عقل‌گزیزی همچنین می‌تواند باعث ایجاد تنش‌های اجتماعی و سیاسی گردد. مانع «سنت‌گرایی افراطی» از پذیرش نوآوری‌ها و تغییرات لازم برای توسعه سیاسی می‌شود. افرادی که به شدت به سنت‌ها پایبند هستند، ممکن است از پذیرش ایده‌های جدید و تغییرات ضروری برای پیشرفت خودداری کنند. این وضعیت می‌تواند باعث ایستایی فرهنگی و اجتماعی گردد که بر فرآیندهای دموکراتیک تأثیرگذار خواهد بود. «خان‌سالاری» به تمرکز قدرت در دست عده‌ای خاص اشاره دارد که می‌تواند مشارکت عمومی را محدود کند. این مانع موجب ایجاد فضایی می‌شود که در آن تصمیمات عمدتاً توسط گروه‌های خاص اتخاذ می‌شود و صدای دیگران نادیده گرفته می‌شود. خان‌سالاری نه تنها بر فرآیندهای دموکراتیک تأثیر منفی دارد بلکه می‌تواند به فساد و سوءاستفاده از قدرت نیز منجر گردد. در تحلیل مدل موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران می‌توان گفت که در سطح آخر (چهارم) موانع فرهنگی

توسعه سیاسی در ایران، دو مانع اصلی شناسایی شده‌اند. سنت‌گرایی افراطی و خان‌سالاری. سنت‌گرایی افراطی مانع پذیرش نوآوری‌ها و تغییرات لازم برای پیشرفت می‌شود و خان‌سالاری به تمرکز قدرت در دست عده‌ای خاص اشاره دارد که مشارکت عمومی را محدود می‌کند. در سطح سوم، دو مانع دیگر شامل جزم‌گرایی و نقدناپذیری و عقل‌گریزی وجود دارند که به عدم تحمل دیدگاه‌های مختلف و تصمیم‌گیری‌های غیرمنطقی منجر می‌شوند. در سطح دوم، موانع تبعیض و نابرابری، محافظه‌کاری، ترس از رویارویی با واقعیت و چاپلوسی و دورویی شناسایی شده‌اند که به عدم برابری فرصت‌ها و عدم پذیرش تغییرات مربوط می‌شوند. در سطح اول، پنج مانع شامل روان‌رنجور خویی، ضعف اخلاق کاری، ضعف روحیه جمعی، نظم‌گریزی و تجربه‌سوزی وجود دارند که به کاهش مشارکت اجتماعی و سیاسی و تکرار اشتباهات گذشته منجر می‌شوند. شناخت دقیق این موانع و تحلیل ساختاری آن‌ها می‌تواند به سیاست‌گذاران در تدوین برنامه‌های مؤثر برای توسعه سیاسی پایدار کمک کند.

همچنین مدل دوم، مدل محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران است شامل ۴ مانع می‌باشد که در سه سطح قرار گرفته‌اند. سطح‌بندی محرک‌ها به این ترتیب است: سطح اول: «میل به توسعه دانش و قدرت». این محرک، تأثیرپذیرترین محرک در مدل می‌باشد. سطح دوم: «هویت و غرور ملی-مذهبی». سطح آخر (سوم): «ارزش‌های بنیادین دین» و «تجارب تاریخی». این محرک‌ها، مهمترین و تأثیرگذارترین محرک‌های مدل هستند. محرک «ارزش‌های بنیادین دین» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محرک‌ها در مدل، نقطه شروع فرآیند توسعه سیاسی را تشکیل می‌دهد. این ارزش‌ها می‌تواند مبنایی برای ایجاد حس مسئولیت اجتماعی و اخلاقی در میان شهروندان فراهم آورند. با توجه به نقش عمیق دین در زندگی اجتماعی ایرانیان، بهره‌گیری از این ارزش‌ها

می‌تواند به تقویت مشارکت سیاسی و اجتماعی کمک کند. لذا، سیاست‌گذاران باید تلاش کنند تا میان ارزش‌های دینی و نیازهای مدرن جامعه هم‌افزایی ایجاد کنند تا بتوانند توسعه سیاسی مؤثری را رقم بزنند. محرک «تجارب تاریخی» نیز به عنوان نقطه شروع دیگر در مدل، نمایانگر اهمیت یادگیری از گذشته برای شکل‌دهی به آینده است. تجارب تاریخی می‌تواند درس‌هایی از موفقیت‌ها و شکست‌ها را ارائه دهند که می‌تواند در فرآیند تصمیم‌گیری‌های سیاسی مؤثر باشد. با توجه به تاریخ غنی ایران، بهره‌گیری از تجارب گذشته نه تنها می‌تواند به تقویت هویت ملی کمک کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد سیاست‌های پایدار و مؤثر در راستای توسعه سیاسی باشد. بنابراین، ترویج فرهنگ یادگیری از تاریخ و استفاده از آن در سیاست‌گذاری‌های کنونی می‌تواند به عنوان یک استراتژی کلیدی در راستای توسعه سیاسی در ایران مورد توجه قرار گیرد. محرک «هویت و غرور ملی-مذهبی» نشان دهنده اهمیت هویت ملی و مذهبی در شکل‌دهی به رفتارهای اجتماعی و سیاسی افراد است. تقویت این حس هویتی می‌تواند افراد را به سمت مشارکت فعالانه در فرآیندهای سیاسی سوق دهد و همبستگی اجتماعی را افزایش دهد. بنابراین، توجه به ابعاد فرهنگی و مذهبی در سیاست‌گذاری‌های توسعه سیاسی ضروری است، زیرا این هویت می‌تواند به‌عنوان یک نیروی محرکه برای تحقق هدف‌های سیاسی و اجتماعی عمل کند. محرک «میل به توسعه دانش و قدرت» به عنوان تأثیرپذیرترین محرک در مدل، نشان‌دهنده نیاز جامعه به افزایش آگاهی، مهارت‌ها و توانمندی‌های فردی و جمعی است. این میل به‌عنوان نقطه پایان مدل عمل می‌کند و نمایانگر این است که افزایش دانش و قدرت می‌تواند به تقویت مشارکت سیاسی و اجتماعی منجر شود و زمینه‌ساز ایجاد نهادهای مدنی مستقل گردد. در واقع، هرگونه تلاش برای توسعه سیاسی در ایران باید بر پایه تقویت این میل

بنا شود، چرا که بدون ارتقاء سطح دانش و آگاهی، سایر ابعاد توسعه سیاسی نیز با چالش‌های جدی مواجه خواهند شد. در تحلیل مدل محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران می‌توان گفت که محرک «ارزش‌های بنیادین دین» به عنوان نقطه شروع توسعه سیاسی، می‌تواند حس مسئولیت اجتماعی و اخلاقی را در شهروندان تقویت کند و مشارکت سیاسی را افزایش دهد. سیاست‌گذاران باید بین ارزش‌های دینی و نیازهای مدرن هم‌افزایی ایجاد کنند. همچنین، «تجارب تاریخی» به عنوان نقطه شروع دیگر، اهمیت یادگیری از گذشته را برای شکل‌دهی به آینده نشان می‌دهد و می‌تواند به تقویت هویت ملی و سیاست‌های پایدار کمک کند. «هویت و غرور ملی-مذهبی» نیز بر رفتارهای اجتماعی و سیاسی تأثیر دارد و تقویت این حس می‌تواند مشارکت فعالانه را افزایش دهد. «میل به توسعه دانش و قدرت» به عنوان تأثیرپذیرترین محرک، نیاز جامعه به افزایش آگاهی و مهارت‌ها را نمایان می‌کند و باید در مرکز تلاش‌های توسعه سیاسی قرار گیرد. تحلیل موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران نیاز به رویکردی جامع و چندوجهی دارد تا از ظرفیت‌های موجود بهره‌برداری شود و هم‌افزایی میان عوامل مختلف ایجاد گردد. برای کاهش موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران، یکی از راه‌کارهای مؤثر، ترویج گفت‌وگو و تبادل نظر بین اقشار مختلف جامعه است. برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های آموزشی می‌تواند فضایی مناسب برای آشنایی با نظرات و دیدگاه‌های گوناگون ایجاد کند و به کاهش تعصبات و تقویت فهم متقابل کمک نماید. علاوه بر این، تقویت نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی نیز می‌تواند نقش مهمی در این زمینه ایفا کند. این نهادها با ایجاد بسترهای مشارکت اجتماعی، به شهروندان آموزش می‌دهند که چگونه می‌توانند در فرآیندهای سیاسی دخالت کنند و صدای خود را به گوش مسئولان برسانند. آموزش حقوق شهروندی نیز یکی دیگر از راه‌کارهای کلیدی است. عدم

آگاهی شهروندان از حقوق و وظایف خود، یکی از موانع اصلی توسعه سیاسی به شمار می‌رود. بنابراین، برگزاری دوره‌های آموزشی در مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز اجتماعی با محوریت حقوق شهروندی می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی کمک کرده و مشارکت سیاسی را تقویت نماید. در کنار این موانع، برخی محرک‌های فرهنگی نیز می‌توانند به توسعه سیاسی کمک کنند. یکی از این محرک‌ها، استفاده از ارزش‌های دینی در سیاست‌گذاری است. سیاست‌گذاران باید تلاش کنند تا این ارزش‌ها را به عنوان مبنایی برای ایجاد حس مسئولیت اجتماعی و اخلاقی در میان شهروندان به کار ببرند. این امر می‌تواند از طریق برنامه‌های آموزشی و فرهنگی که به ترویج اخلاقیات اسلامی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌پردازند، محقق شود. تاریخ‌نگاری مثبت و الهام‌بخش نیز می‌تواند به تقویت حس هویت ملی و غرور ملی-مذهبی کمک کند. ترویج چنین تاریخ‌نگاری‌ای که به موفقیت‌ها و دستاوردهای تاریخی ایران اشاره دارد، می‌تواند از طریق رسانه‌ها، کتاب‌ها و مستندات به نسل‌های جدید منتقل شود تا آنها از تجارب گذشته الهام بگیرند. در نهایت، برای افزایش میل به یادگیری و توسعه دانش، باید برنامه‌هایی برای ارتقاء سطح آموزش عمومی و دسترسی به منابع اطلاعاتی فراهم شود. این برنامه‌ها شامل دوره‌های آموزشی آنلاین، کارگاه‌های مهارتی و منابع آموزشی رایگان هستند که به افراد کمک می‌کنند تا مهارت‌های لازم برای مشارکت فعال در جامعه را کسب کنند. با اجرای این پیشنهادات، می‌توان امیدوار بود که موانع فرهنگی کاهش یابد و زمینه برای توسعه سیاسی در ایران فراهم شود.

مدل‌های حاصل از این پژوهش، برگرفته از نظرات ۹ تن از خبرگان دانشگاهی استان اصفهان هستند. لذا پژوهشگران آتی می‌توانند مدل‌های حاصل از این پژوهش را در جامعه‌ای بزرگ مورد آزمون قرار دهند و

اعتبارسنجی نمایند.

یافته‌های این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های قبلی، تأکید بیشتری بر ساختار و سطوح مختلف موانع و محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران دارد. در حالی که پژوهش‌های پیشین معمولاً به شناسایی موانع به صورت کلی پرداخته‌اند، این تحقیق با ارائه دو مدل مجزا و سطح‌بندی دقیق، به تحلیل عمیق‌تری از موانع و محرک‌ها می‌پردازد. مدل موانع فرهنگی این پژوهش شامل ۱۳ مانع است که در چهار سطح دسته‌بندی شده‌اند این رویکرد به ویژه به موانع فرهنگی تأکید دارد. که در تضاد با برخی پژوهش‌های قبلی است که بیشتر بر موانع اقتصادی یا سیاسی تمرکز کرده‌اند. تأکید بر «روان‌رنجور خویی» و «تجربه سوزی» نشان‌دهنده نگرانی از تأثیرات عمیق فرهنگی بر مشارکت سیاسی است که در ادبیات پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته بود. از سوی دیگر، مدل محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی نیز با شناسایی چهار محرک کلیدی، شامل «میل به توسعه دانش و قدرت» و «هویت و غرور ملی-مذهبی»، به‌طور واضح‌تری به نقش فرهنگ در تسهیل فرآیندهای سیاسی اشاره دارد. این یافته‌ها می‌توانند به عنوان مکملی برای پژوهش‌های قبلی عمل کنند که بر اهمیت فرهنگ و هویت در توسعه سیاسی تأکید داشته‌اند. این پژوهش با ارائه راهکارهایی عملی برای کاهش موانع و تقویت محرک‌ها، به سیاست‌گذاران توصیه می‌کند که از ظرفیت‌های فرهنگی موجود بهره‌برداری کنند.

پیشنهادات برای کاهش موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران به شرح زیر است:

ترویج گفت‌وگو و تبادل نظر: برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای ایجاد فضایی مناسب جهت آشنایی با نظرات و دیدگاه‌های مختلف می‌تواند به کاهش تعصبات و تقویت فهم متقابل کمک کند. تقویت نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی: این نهادها می‌توانند با ایجاد بسترهای مشارکت اجتماعی، به

شهروندان آموزش دهند که چگونه می‌توانند در فرآیندهای سیاسی دخالت کنند و صدای خود را به مسئولان برسانند.

آموزش حقوق شهروندی: برگزاری دوره‌های آموزشی در مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز اجتماعی با محوریت حقوق شهروندی می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی کمک کرده و مشارکت سیاسی را تقویت نماید.

استفاده از ارزش‌های دینی در سیاست‌گذاری: سیاست‌گذاران باید تلاش کنند تا ارزش‌های دینی را به عنوان مبنایی برای ایجاد حس مسئولیت اجتماعی و اخلاقی در میان شهروندان به کار ببرند.

تاریخ‌نگاری مثبت و الهام‌بخش: ترویج تاریخ‌نگاری که به موفقیت‌ها و دستاوردهای تاریخی ایران اشاره دارد، می‌تواند حس هویت ملی و غرور ملی-مذهبی را تقویت کند.

افزایش دسترسی به منابع آموزشی: فراهم کردن برنامه‌هایی برای ارتقاء سطح آموزش عمومی و دسترسی به منابع اطلاعاتی، شامل دوره‌های آموزشی آنلاین و کارگاه‌های مهارتی، می‌تواند به افراد کمک کند تا مهارت‌های لازم برای مشارکت فعال در جامعه را کسب کنند.

تشویق به یادگیری از تجارب تاریخی: ایجاد برنامه‌هایی که به بررسی و تحلیل تجارب تاریخی موفق و ناموفق پرداخته و درس‌های لازم را استخراج کنند، می‌تواند به شکل‌گیری تصمیمات سیاسی مؤثر کمک کند.

منابع

- آذر، عادل؛ خسروانی، فرزانه و جلالی، رضا (۱۳۹۲). تحقیق در عملیات نرم (رویکردهای ساخت دهی به مسئله). چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.

- ابوالفضل، حسین و پسندیده، ابوالفضل (۱۴۰۰).

محرك‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران با روش تحلیل مضمون. مجله مدیریت فرهنگی، سال هجدهم، شماره ۶۵.

- حیدرپورکلیدسر، محمد؛ وثوقی، منصور؛ ساروخانی، باقر و ازکیا، مصطفی (۱۳۹۶). واکاوی موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران (عصر پهلوی دوم). نشریه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، دوره ۱۸، شماره ۴۰.

- رزم‌جوئی، صدیقه؛ خدای، علیرضا و راسخ، کرامت‌اله (۱۴۰۰). بررسی جامعه‌شناختی موانع توسعه سیاسی با تاکید بر فرهنگ سیاسی مشارکتی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شیراز). نشریه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۲، شماره ۴۹.

- رضایی، علی‌اکبر؛ صالحی امیری، سیدرضا و رفیعی‌نژاد، علی اصغر (۱۳۹۰). موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران و ارائه راه‌کارهای مدیریتی در این حوزه. مدیریت فرهنگی، دوره ۵، شماره ۱ (پیاپی ۱۱).

- رهبر قاضی، محمود رضا؛ کشول، سعید؛ عربیان، حسین و آشنایی، سهیلا (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر فرهنگ سیاسی مشارکتی. نشریه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، دوره ۴، شماره ۳.

- زارعی، غفار و تقی‌پور، سروگل (۱۳۹۶). بررسی نقش ساختار مدیریت شهری در توسعه فرهنگ سیاسی. نشریه مدیریت شهری، شماره ۴۶.

- ساعی، احمد (۱۳۹۴). توسعه در مکاتب متعارض. ناشر: قومس.

- شهرام‌نیا، امیرمسعود و مظفری، فرحناز (۱۳۹۲). صورت‌بندی موانع فرهنگی توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. دانش سیاسی و بین‌المللی، دوره ۲، شماره ۱.

- طاهری، سیدمجتبی و دارابی، علی (۱۴۰۰). بررسی مؤلفه‌های توسعه سیاسی در کتاب‌های درسی دوره اول و دوم متوسطه (۹۵ - ۱۳۹۴). فصلنامه علمی-پژوهشی تعلیم و تربیت، دوره ۳۷، شماره ۱.

تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی و موانع توسعه‌ای آن در دوران جمهوری اسلامی، <https://civilica.com/doc/۱۵۸۶۱۰۹>

- ازکیا، مصطفی؛ احمدرش رشید و دانش‌مهر، حسین (۱۳۹۴). توسعه و مناقشات پارادایمی جدید. تهران: انتشارات کیهان.

- اعتباریان خوراسگانی، اکبر و قلی‌پور مقدم، فرید (۱۳۹۶). مرور تطبیقی نظریه‌های توسعه سیاسی. رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، شماره ۳.

- بایزدی، رحیم و حسین‌پناهی، حلیمه (۱۳۹۸). فرهنگ و توسعه: شاخص‌های فرهنگی توسعه‌پذیر و ضد توسعه در ژاپن، بریتانیا و ایران. دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دوره ۸، شماره ۱، از صفحه ۱ تا ۳۰.

- بیدالله خانی، آرش و فرخاری، محبوبه (۱۴۰۰). فراتحلیل عوامل موثر بر توسعه سیاسی در ایران بین سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰. دانش سیاسی، دوره ۳۵.

- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۳). توسعه فرهنگی؛ ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی. سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، اردیبهشت و خرداد.

- جانعلی‌نژاد، عطیه؛ مزروعی، خسرو و بای، عبدالرضا (۱۴۰۳). موانع و راهبردهای تحقق توسعه فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، دوره ۶، شماره ۳.

- جمال عشینی، لیدا؛ اعتباریان خوراسگانی، اکبر؛ رشیدپور، علی و اسماعیلی، رضا (۱۴۰۳). شناسایی موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران با روش تحلیل مضمون. فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران. سال سوم، شماره دوم (پیاپی ۷).

- جمال عشینی، لیدا؛ اعتباریان خوراسگانی، اکبر؛ رشیدپور، علی و اسماعیلی، رضا (۱۴۰۳). شناسایی

- بودن رسانه‌ها به عنوان محرک توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی. فصلنامه پژوهش‌های بین‌الملل، دوره ۱۱، شماره ۲ (پیاپی ۴۱).
- ندرلو، لیلا؛ پورجیلی، ربابه و بابائی، محبوبه (۱۴۰۱). پدیدار شناسی موانع فرهنگی توسعه در زنجان. نشریه مطالعات جامعه‌شناسی، دوره ۱۵، شماره ۵۶.
- Ghazali, A, Karren Lee-Hwei Khaw, K and Zainir, F.B (۲۰۲۲). Development vs. political views of government ownership: How does it affect investment efficiency? Finance Research Letters, <https://www.elsevier.com/locate/frl>.
- Gibbs, G. R (۲۰۰۷). Analyzing Qualitative Data. London: SAGE Publications.
- Nastain, Muhamad, Abdullah, Irwan, Qodir, Zuly, Jubba, Hasse & Cipto, Bambang (۲۰۲۴). Cultural Barrier in the Regeneration Process of Islamic Political Party in Indonesia. Jurnal Ilmiah Peuradeun. <https://doi.org/10.26811/peuradeun.v12i2.1104> Others Visit: <https://journal.scadindependent.org/index.php/jipeuradeun>.
- King, N & Horrocks, C (۲۰۱۰). Interviews in qualitative research. London: SAGE Publications.
- یادداشت‌ها
- عسکری، مهران و خدامی، علیرضا (۱۴۰۱). مطالعه موانع توسعه سیاسی در ایران با تاکید بر عدم مشارکت نخبگان دانشگاهی (مطالعه موردی: اساتید دانشگاه‌های لارستان). مطالعات جامعه‌شناسی، شماره ۵۵.
- فقیه ایمانی، فاطمه (۱۳۹۲). تأثیر فرهنگ بر فرآیند توسعه در ایران. مرکز الگوی اسلامی ایرانی <http://www.olgou.org/publications>.
- لشکر بلوکی، مجتبی؛ خداداد حسینی، سیدحمید؛ حسینی، سید محمود و حمیدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۹۱). طراحی مدل فرآیندی راهبرد پابرجا با استفاده از رویکرد ترکیبی. نشریه اندیشه مدیریت راهبردی، دوره ۶، شماره ۲.
- موسوی، سید محمدرضا؛ ابطحی، سید مصطفی؛ مطلبی، مسعود و بیات، بهرام (۱۳۹۹). موانع توسعه سیاسی در ایران معاصر با تاکید بر هویت سیاسی و فرهنگی. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۶، شماره ۵۰.
- میرهادی، زینب‌السادات؛ فرهنگی، علی‌اکبر؛ ابطحی، عطاءالله؛ حسینی دانا، حمیدرضا و قیومی، عباسعلی (۱۴۰۰). تأثیر ساختار نظام سیاسی بر میزان باز و بسته

^۱Gabriel Almond

^۲Della Valle

^۳Morier

^۴Chardin

^۵Fuller

^۶Fraser